

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۹
صفحات: ۱-۱۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تأثیر ایدئولوژی بر استراتژی گروه‌های تروریستی در مبارزه با آمریکا؛ مطالعه موردی القاعده

Song Jiangbo * /Wang Zezhuang**

چکیده

هدف این مقاله بررسی ایدئولوژی گروه تروریستی القاعده و تأثیر آن بر استراتژی این گروه در مبارزه با آمریکاست. سؤال اصلی مقاله این است که ایدئولوژی‌های القاعده چه تأثیری بر استراتژی‌هایش در مبارزه با آمریکا دارد؟ در بررسی مختصری از ادبیات موجود آشکار می‌شود که تعداد اندکی از آن‌ها به بررسی ایدئولوژی‌ها و استراتژی‌های گروه تروریستی پرداخته و بیشتر مطالبی که در این زمینه نگاشته شده در مورد ریشه‌های ترور، انگیزه‌های تروریست‌ها، و واکنش ضد تروریستی است. ایدئولوژی القاعده در نوع خود عمیقاً بین‌المللی است و تلاش می‌کند درگیری‌های منطقه‌ای و محلی را در قالب وسیع‌تری چون جنگ علیه مرتدین و کفار قرار دهد. استراتژی القاعده به صورت منطقی از ایدئولوژی آن نشأت می‌گیرد در این میان اصلی‌ترین اولویت‌های استراتژیک القاعده بسیج مسلمانان برای یک جهاد جهانی علیه غرب و سرنگون کردن رژیم‌های مرتد به خصوص عربستان سعودی، مصر و پاکستان از اهداف اصلی به شمار می‌رود.

کلید واژه‌ها

القاعده، ایدئولوژی، استراتژی، آمریکا، تروریسم.

* Phd Candidate of International Relation Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Responsible author) thatbahmansong71@gmail.com

** Professor International Relation Anhui University, Anhui, China.

مقدمه

القاعده موضوع پژوهش این نوشتار از جمله جریان‌های موجود در جهان اسلام است که درباره آن به ویژه در رسانه‌های غربی سخن فراوان گفته شده است. اما به رغم این حجم انبوه کمترین تبیین و تحلیل رضایت بخشی از آن تشکیلات به چشم می‌خورد. برای شناخت بهتر ایدئولوژی القاعده و به تبع درک استراتژی‌های نشأت گرفته از آن باید سراغ خاستگاه فکری القاعده رفت که بی شک متون اسلامی و متفکران اسلامی معاصر و متأخر منبعی برای تغذیه فکری گروه‌های تروریستی خاورمیانه و به خصوص القاعده به شمار می‌روند. البته باید بیان داشت که برداشت ناصحیح از متون اسلامی باعث کج روی فکری این جریانات گشته است. بنابراین سؤالات زیادی مطرح می‌شود اینکه خاستگاه فکری القاعده چیست؟ دیدگاه القاعده در خصوص موضوعاتی مانند حکومت اسلامی و دین، جهاد، غرب، جهانی شدن چیست؟ و استراتژی‌های متأثر از این ایدئولوژی‌ها چیست؟

مقاله حاضر قصد دارد اول ایدئولوژی‌ها و نوع نگرش القاعده را مورد بررسی قرار داد و سپس تأثیر این نوع نگاه را در استراتژی‌های القاعده در مبارزه با غرب و خصوصاً آمریکا مورد سنجش قرار دهد. بنابراین مقاله نخست خاستگاه فکری القاعده را مورد بررسی قرار خواهد داد سپس نگرش القاعده در مورد مسائلی نظیر جهاد، دین، حکومت اسلامی، جهانی شدن و غرب ستیزی را مورد کنکاش قرار می‌دهد و سرانجام در قسمت پایانی مقاله تأثیر این نوع نگرش را در استراتژی القاعده در مبارزه با آمریکا شرح می‌دهد.

خاستگاه فکری القاعده:

با نگاهی به مذهب و ایدئولوژی القاعده روشن می‌شود ریشه تاریخی این جریان به گرایش‌های خردگریز موجود در تاریخ اسلام باز می‌گردد و باید آنان را پیرو و ادامه دهنده مسیر خردگریزی در جهان اسلام دانست. مهم‌ترین این گرایش‌ها در تاریخ تمدن اسلام، فقهای اهل حدیث، متکلمان اشعری و خوارج هستند. البته خاستگاه اصلی القاعده وهابیت است که خود ریشه در جنبش سلفی، مذهب هنبلی، و پیروان اهل حدیث دارد. رهبران، نظریه پردازان و بسیاری از اعضای القاعده یا وهابی‌اند یا از پیروان مذاهب هنبلی و حنفی هستند که به وهابیت تمایل دارند. القاعده را جنبش سلفی نیز دانسته‌اند؛ زیرا پیشوایان آن یعنی احمد بن حنبل و ابن تیمیه از نخستین مدعیان سلفی‌گری بوده‌اند. این جریان که از قرن سوم هجری شروع شد

ریشه در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) با روایتی از ابن مسعود دارد مطابق آن حدیث به نقل از پیامبر آمده است: بهترین مردم، مردمان قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و بعد دیگرانی که در پی آن‌ها می‌آیند. پس از ایشان مردمانی می‌آیند که گواهی هر یک سوگندشان است و سوگند هر کدام گواهی‌شان را نقض می‌کند. (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۲۳ و ۲۴) در واقع بدون شناخت وهابیت، فهم و شناخت القاعده غیرممکن است (همان، ۲۵).

القاعده سازمانی واحد با رهبری واحد نیست، بلکه یک ایدئولوژی یا مجموعه‌ای از ارزش‌هاست. در کانون جهان بینی القاعده، ایدئولوژی آن عمیقاً جهانی بوده و تلاش می‌شود نبردها و درگیری‌های محلی به عنوان بخشی از نبرد جهانی ضد مرتدان به حساب آید. با این حال ایدئولوژی القاعده در اساس مدلی از دیدگاه «جهادی - سلفی» می‌باشد که ریشه‌های این ایدئولوژی را می‌توان در دیدگاه دو متفکر سنی جست و جو کرد به علاوه دیگر متفکرانی که بر آراء القاعده تأثیر گذاشتند به صورت اختصار توضیح داده می‌شود: محمد بن عبدالوهاب و سید قطب (کتاب امنیت بین الملل، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

*محمد بن عبدالوهاب (۸۷-۱۷۰۳ م)

القاعده بسیاری از عناصر ایدئولوژی خود را وام دار عقاید محمد بن عبدالوهاب است. او در رساله اربع قواعد و نیز رساله کشف الشبهات تصریح می‌کند: شرک مسلمانان غلیظتر از شرک بت پرستان است. وی در این رساله بیش از ۲۴ بار مسلمانان را کافر، بت پرست، مرتد، منافق، منکر توحید، دشمن توحید، دشمن خدا، مدعیان اسلام، اهل باطل، نادان و شیاطین نامیده است به جز وهابیون. و خون و مالشان مباح است. رویکرد تکفیری ذکر شده نه از جانب عرفا، فلاسفه یا متکلمان. بلکه از جانب فقهای وهابی صادر شده است. لذا دارای بار فقهی و حقوقی است و می‌تواند به اقدام برای اجرای حکام «کافران» منجر شود که نتیجه آن خشونت در میان جوامع اسلامی است (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۲۷ و ۲۸)

*سید قطب:

سید قطب نیز از محققان رادیکال مصری در اواسط قرن ۲۰ بود که تمدن غرب را دشمن اسلام معرفی می‌کرد و رهبران ملت‌های مسلمان را متهم می‌ساخت که از آموزه‌های اسلام تخطی کرده‌اند و او معتقد بود «اصل جهاد» فقط برای دفاع از اسلام نیست بلکه برای نجات اسلام از انحطاط نیز هست. با این حال چهره‌های دیگری نیز الهام بخش نگرش‌های القاعده

بوده‌اند مانند ابن تیمیه، صنعانی، شیخ محمد ابوزهره، سیدجمال الدین اسدآبادی (کتاب امنیت بین الملل، ۱۳۸۸: ۱۸۴).

کلام آخر درباره خاستگاه فکری القاعده این است که گرچه خاستگاه واقعی آن در جریان اهل حدیث، مذهب حنبلی به ویژه وهابیت و جنبش صلغی قرار دارد اما نمی‌توان بی‌اعتنا از کنار سایر جریان‌های مهم خردگرایان یعنی اشعری‌ها و خوارج گذشت و تأثیر آن‌ها را بر تقویت باورهای جزم‌گرایانه القاعده نادیده گرفت. (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۳۴)

در کل القاعده برای آن که از یک اندیشه سلفی محافظه‌کار (طیف دیگر سلفی‌ها) به یک اندیشه سلفی رادیکال تبدیل شود و مرحله دوم را از سلفی‌گری تا رادیکالیسم طی کند به شدت متأثر از عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی بوده است. این عوامل عبارت‌اند از: بحران ناشی از نفوذ فرهنگ غرب، مقایسه اوضاع کنونی جهان اسلام با گذشته آن، شکست ایدئولوژی‌های غربی در کشورهای منطقه، تبدیل شدن فلسطین به کانون همیشگی بحران، شکست‌های نظامی و سازش‌های سیاسی، عرف‌سازی شتاب زده، استعمار زدگی و پیشینه تاریخی اسلام سیاسی و جهادی (همان، ۴۵)

*احمدبن حنبل:

از قرن اول تا سوم هجری اهل سنت از نظر فقهی به دو گروه اهل رأی و اهل حدیث تقسیم می‌شدند. احمدبن حنبل از جمله فقهای اهل حدیث است که با استدلال عقلی شدیداً مخالف است. مهم‌ترین ویژگی احمدبن حنبل (۲۸۱-۱۶۴) محدث و فقیه اهل سنت که در بغداد زاده شد و در همانجا مردعبارت بود از: تمسک شدید به شیوه سلفیه و مخالف شدید با رأی و استدلال عقلی، در آن زمان مسلمانان از نظر کلامی به دو گروه اشعری که استفاده از شیوه‌های عقلی در مباحث کلامی را حرام می‌دانستند. و معتزلی که در مباحث کلامی از شیوه‌های عقلی، منطقی و فلسفی استفاده می‌کردند تقسیم می‌شدند. احمد بن حنبل بر این اساس اشعری مذهب بود.

*بربهاری:

ابومحمد بربهاری معاصرین بطه علاوه بر منع زیارت قبور صلحا و پیشوایان دینی همانند مجسمه برای خداوند اعضایی چون کف دستی از طلاء وانگشتان، دوپا با کفشی از طلا و گیسوانی بلند قائل شد. به علاوه مانند وهابیان امروزی دیدگاهی شدیداً فرقه‌گرا و متعصبانه در قبال تشیع داشته است.

*ابن بطه:

عبدالله محمد معروف به ابن بطه از علمای حنبلی در قرن چهارم هجری زیارت و شفاعت پیامبر را انکار کرد و گفت سفر برای زیارت قبر پیامبر از نظر شرعی سفری حرام است. که او تاثیر شگرفی بر وهابیون و متعاقب آن گروههایی همچون القاعده و بنیادگرایان داشته است.

*ابن تیمیه:

ابولعباس احمد بن عبدالحلیم معروف به ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ هجری) در میان پیروان احمد بن حنبل مهمترین احیاکننده روش او می‌باشد. ابن تیمیه مردی سرسخت در عقاید خود نسبت به مخالفان فکری، متعصب خصوصاً نسبت به شیعیان حتی تا جایی که فضایل امام علی را انکار می‌کرد. ابن تیمیه عقل را سبب گمراهی می‌داند و فقط به ظواهر الفاظ قرآن و حدیث نبوی و فتاوی صحابه اکتفاء می‌کند. به همین دلیل عقاید و فتاوی او در عالم اسلامی بی سابقه یا نادر بوده است. او هم از جمله کسانی بوده که دیدگاهش بر سلفیون و وهابیون و همینطور بر گروههای تروریستی مانند القاعده تأثیر گذاشت. (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۲: ۲۳۷ و ۲۳۴)

بنابراین همه‌ی این اندیشه‌ها به علاوه مشکلات جهان اسلام باعث شده تا بنیادگرایی به عنوان تنها راه نجات از این احساس ناخوشایند سلطه‌ی جهان غرب بر جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد. گروه‌های نظیر القاعده با تفسیر نادرست از متون دینی بر معنای ظاهری روایات و آیات تأکید کردند و بر اساس همین فهم نادرست دست به کارهایی زدند که خود دین اسلام و بزرگان اسلامی همه را از آن کارها نهی می‌کردند. بنابراین خاستگاه فکری القاعده از جریان‌های مختلف اسلامی بوده است و با استفاده از متون اسلامی و درک ناصحیح از این متون جان هزاران نفر از مسلمانان را با عملیات تروریستی در سراسر جهان گرفته و همین طور شمار زیادی از مردم سراسر جهان را نیز با عملیات تروریستی در اقصی نقاط گیتی مورد هدف قرار دارند.

نگرش القاعده در مورد جهاد:

آیات قرآن، کتا بهای حدیث، سیره، غزوات و فقه نیز همه بر این روایت تأکید دارند که پیامبر جز با کسانی که با او جنگید ه اند، ن‌جنگیده است. از معاصرین نیز شیخ محمد غزالی، شیخ شلتوت، شیخ ابوزهره و بسیاری دیگر همین نظر را دارند. اکثر علمای سرشناس عالم تسنن متفق القولند در این که تنها جهاد جایز جهاد دفاعی است؛ یعنی هرگاه کیان امت اسلامی به

خطر افتد بر کل امت واجب است که به جهاد برخیزند در دیدگاه سنتی اهل تسنن، در صورتی که حکومت اسلامی وجود داشته باشد، این وظیفه حاکم است که با مشورت علما جهاد کند. عنصر جهاد در ایدئولوژی القاعده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و ابزاری‌ترین و کلیدی‌ترین مفهوم در آن ایدئولوژی به شمار می‌رود. به طوری که رهبران القاعده آن را از سایر عبارات‌های دینی مانند نماز و روزه و حج مهم‌تر می‌دانند. آن‌ها معتقدند مسلمانانی که در عمل و نظر به «جهاد» نپرداخته‌اند، اسلام را درک نکرده‌اند. عبدالله عزام که از وی به عنوان یکی از مؤسسان و رهبران القاعده نام می‌برند برخی علل جهاد را به صورت زیر بیان کرده است:

- ۱- جلوگیری از تسلط کافران بر مسلمانان
- ۲- ترس از آتش جهنم
- ۳- عمل به فریضه جهاد و پاسخ به دعوت خدا
- ۴- ادامه دادن راه سلف صالح
- ۵- استقرار جامعه اسلامی
- ۶- حفاظت از مستضعفین زمین
- ۷- شهادت و کسب مقام والا در بهشت
- ۸- جلوگیری از بی حرمت شدن «امت» و سپر بلای آن شدن
- ۹- حفاظت از عزت «امت» و نقش بر آب شدن توطئه دشمنان
- ۱۰- حفاظت از سرزمین اسلامی و جلوگیری از فاسد شدن آن
- ۱۱- ایجاد امنیت برای مکان‌های مقدس
- ۱۲- سعادت امت و افزایش ثروت آن‌ها
- ۱۳- بهترین شکل عبادت

مطابق ایدئولوژی القاعده، مرز میان انسان‌ها را اعتقاد یا عدم اعتقاد به اندیشه آنان مشخص می‌کند و کسانی که از مکتب فکری آنان پیروی نکنند تحت عنوان «کافر، مشرک و منافق» مشمول قوانین وضع شده سختی قرار می‌گیرند. بر همین اساس «دوستی» و «دشمنی» با محوریت اعتقادی تعریف می‌شوند به این ترتیب که همفکران ایدئولوژیک ما «دوست» و کسانی که اندیشه دیگری دارند «دشمن» تلقی می‌شوند. ایمن ظواهری در همین مورد بیان می‌دارد:

به اعتقاد ما در حال حاضر مهم‌ترین فتنه‌ای که توحید و عقیده اسلامی را تهدید می‌کند، فتنه انحراف از دوستی با مؤمنان و دشمنی با کافران است. لذا با نگارش این مطالب سعی کردیم به امت اسلامی هشدار دهیم تا در بیداری مبارک و جهادی پیروزمندند - انشاءالله - مراقب حملات صلیبی‌های آمریکایی و یهودی علیه امت اسلامی باشند. (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۹۳ و ۹۴)

ایدئولوژی القاعده در مورد جهاد با نظریات اسلام متفاوت است. از نظر اسلام جنگ برای تحمیل عقیده مجاز نیست. جنگ در اسلام حالتی اضطراری دارد یعنی پس از تهاجم دشمن ضرورت پیدا می‌کند و بعد از درهم شکستن آن دیگر ضرورت ندارد. بحث جهاد فقط در قالب ایدئولوژی بنیادگرایی اسلامی قابل بررسی است. و آن هم شامل بخش کوچکی از آنها یعنی جهادگرایان معاصر می‌شود.

جان اسپوزیتو، اسلام شناس معروف، استدلال کرده است که از اواخر قرن ۲۰ کلمه جهاد از سوی جنبش‌های آزادیخواه (مانند مجاهدین افغان، جدایی طلبان چین، کشمیر، حزب الله و همچنین گروه‌های تروریستی مانند القاعده) برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود و ایجاد انگیزه در پیروان مورد استفاده قرار گرفته است. در سال‌های اخیر برخی از مسلمانان که آنها را تحت عنوان «جهادگرایان» می‌خوانند جهاد را یک وظیفه‌ی دینی جهانی برای همه مسلمانان می‌دانند تا با اتحاد و انسجام جهانی، انقلاب اسلامی جهانی را ایجاد کنند.

اقدامات جهادگرایان معاصر ریشه در افکار و آراء کسانی چون مودودی، سیدقطب، عبدالسلام فرج، عمر عبدالرحمان، و امثال آن‌ها دارد. آن‌ها تفاسیر متفاوت با جریان اصلی اسلام (سنتی) و اسلام‌گرایی (اخوان المسلمین) در خصوص جهاد ارائه می‌دهند که با جریانات رایج مخالف است (عباس زاده فتح آبادی، ۱۳۸۸).

هم صدا با تئوری هانتینگتون تحت عنوان «برخورد تمدن‌ها» بن لادن نیز ویژگی‌های جنگ خود را «جنگ صلیبی آمریکا بر علیه ملل اسلامی» نام گذاری کرد و تأکید که به اعتقاد وی درگیری بین جهان اسلام و آمریکا و متحدانش می‌باشد. از نظر وی جهان اسلام باید به خودباوری و اتحاد برسد و مسلمانان باید از خود دفاع کنند. در مورد سیاست‌های داخلی نیز او به مسلمانان توصیه می‌کند که به دنبال رهبری باشد که از سویی آنها را متحد کرده و از سوی دیگر به دنبال استقرار خلافت باشد (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۵). اگرچه بن لادن خودش ادعا کرده است هدفش تحریک، به حرکت درآوردن و بسیج امت اسلامی است. ولی هنوز بسیج

گسترده‌ای شکل نگرفته علارقم تبلیغاتی که القاعده برای بسیج مسلمانان برای جنگ با کفار صورت داده است. (Blanchard, 2006: 4)

بنیامین باربر در توضیح جهاد ضد آمریکایی القاعده گفته است که امپریالیسم فرهنگی که او آن را «مک ورلد» اشاره به مک دونالد نامیده است سرمایه داری مصرفی بی روح را در جهان گسترش داده و جهان را به یک بازار یکپارچه تبدیل کرده است. «مک ورلد» از نظر او محصول فرهنگ مردمی آمریکایی و یا به عبارتی سمبل فرهنگ آمریکایی است. او هشدار داده است که گرایش‌های استعماری مک ورلد مقاومت‌های سیاسی و فرهنگی را در شکل جهاد تحریک می‌کند. این مقاومت‌ها نیروهای انسجام بخش غربی را رد می‌کنند. «جهاد» به اعتقاد او از بنیادگرایی مذهبی (اسلامی) سرچشمه گرفته و نشان دهنده جنبه تاریخی (خاص گرایي فرهنگی) است. او ادامه داده است که جهاد پاسخ متعصبانه و یا دیوانه وار به استعمارگرایی و امپریالیسم و فرزندان اقتصادی آن یعنی سرمایه داری و مدرنیته است. تفسیر او را می‌توان قرائت جدیدی از نظریه هانتینگتون مبنی بر برخورد تمدن غرب با اسلام به حساب آورد. (غلامعلی پور و عباس زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

نگرش القاعده در مورد جهانی شدن:

مرور آثار پرشمار مربوط به گرایش‌ها و جنبش‌های مختلف مذهبی، حکایت از آن دارد که پژوهشگران برای تبیین علل خشونت‌گرایی و رادیکالیسم دینی به متغیرهایی مانند استعمار، امپریالیسم، مداخلات خارجی، تبعیض، تمرکز، نابرابری و ناکارآمدی نخبگان سیاسی اشاره می‌کنند.

گرچه تک تک این عوامل و متغیرها در شکل‌گیری و گسترش انواع گوناگونی از جنبش‌های رادیکال به طور عام و خشونت‌گرایی اسلامی به طور خاص مؤثر بوده و هستند. اما این رابطه را به معنای کلی آن نمی‌توان با این متغیرها به خوبی توصیف و تبیین کرد.

از منظر مدافعان خاص گرایي فرهنگی از جهانی شدن با اصطلاح جهانی سازی یاد می‌شود که اساساً تفاوتی با امپریالیسم قرن هجدهم و نوزدهم ندارد. به بیان روشن‌تر، جهانی سازی چیزی نیست مگر تشدید برخی از تجلیات دیرپای امپریالیسم.

بنیادگرایی دینی، به معنای کوشش برای احیای ارزش‌های مذهبی در مقابل ایدئولوژی‌ها و گرایش‌های مدرن، واکنش عمومی و سراسری در قرن بیستم میلادی بوده و در فرهنگ‌های

مذهبی گوناگون اعم از مسیحی، یهودی و اسلامی پدیدار شده است. بدین سان بنیادگرایی مذهبی همچون گرایش عمومی محافظه کاری، شورشی بر مدرنیته و میراث روشنگری غرب بوده است. بنیادگرایان در همه مذاهب می‌کوشند با اعاده تبیین‌های مطلق به مقابله با نسبی گرایی عصر مدرن برخیزند. بنیادگرایی ضد اصول مدرنیته (یعنی فردگرایی، عقل گرایی، دنیاگرایی، آزادی، تساهل، دموکراسی، تکثرگرایی، انسان مداری، نسبی گرایی) بوده است. در عوض از گرایش‌های رمانتیک غیرعقلی، مطلق انگاری ارزشی، جمع گرایی (در مقابل فردگرایی) نخبه گرایی (در اشکال مختلف آن) ترکیب مذهب و سیاست، انضباط اجتماعی اقتدارگرایی، حصر فرهنگی و نظارت اخلاقی بر جامعه حمایت کرده است. بدین سان بنیادگرایی مذهبی جزئی از جریان عمومی ضد روشنگری است. که در وضع تاریخی خاصی به صورت انقلاب محافظه کارانه یا رادیکالیسم راست گرایانه هم بروز کرده و حتی گاه در قالب جنبشی انقلابی جامعه آرمانی خاص خود را تصویر کرده است (جوان شهرکی، ۱۳۸۷: ۱۰).

چه جهانی شدن را یک پروسه بدانیم و چه یک پروسه به هر حال ازجهاتی منجر به سلطه غرب به ویژه آمریکا در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شده است. هرگونه سلطه به طور منطقی واکنش‌هایی را در مقابل خود به وجود می‌آورد. درجهان امروز بسیاری از گروهها با انگیزها ودلائل گوناگون مخالف جهانی شدن هستند. ودر مقابل آن واکنش نشان می‌دهند. گروه‌های اسلام گرا ازجمله گروههایی هستند که مخالف جهانی شدن هستند وبارها ازطریق گوناگون عدم موافقت خود را اعلام کرده‌اند. القاعده نیز یکی از گروههای اسلام گراست که البته شیوه‌ای خشونت آمیز برای مبارزه با سلطه غرب به رهبری آمریکا درپیش گرفته است.

برخی از محققان برنقش جهانی شدن در گسترش تروریسم ضد آمریکایی القاعده تاکید کرده‌اند. عملیزاردو (۲۰۰۶) دیدگاه این محققان را دیدگاه جهانی شدن تخریب نگر نامیده است. طرفداران دیدگاه مذکور معتقدند که ترورهای ضد آمریکایی نتیجه مستقیم اثرات تخریبی برنامه نئولیبرال جهانی شدن است. برنامه‌های نئولیبرال اقتصادی باعث می‌شود که کشورهای پیرامون ونیمه پیرامون در اثر ازبین رفتن برنامه‌های حمایت دولتی اثرات مخرب بازار آزاد وشرايط سخت ریاضت اقتصادی را تجربه می‌کنند. این امر خود به خود به بیزاری توده‌های فقیر پیرامون و واکنش خشونت آمیز علیه ایالات متحده می‌انجامد. که منبع اصلی سیاست‌های نئولیبرال وحامی اصلی سازمان‌های محرک این سیاست‌ها یعنی «صندوق بین المللی پول»، «بانک جهانی» و «سازمان تجارت جهانی» است. تروریسم همچنین از نظر آن‌ها واکنش

توده‌های ناراضی پیرامون علیه جهانی شدن به رهبری آمریکا است. که فرهنگ‌های محلی را تخریب و شیوه‌های زندگی را با فرهنگ گسترده متجانس و یکدست بیگانه آمریکایی جایگزین می‌کند. (Haynes, 2005: 189)

پس القاعده نیز به عنوان یک جریان بنیادگرای اسلامی در مورد جهانی شدن اعتقادات خاصی دارد و معتقد است که جهانی شدن در حال از بین بردن اعتقادات و افکار اسلامی در سرزمین‌های اسلامی است و بنابراین باید با آن و نهاد آن به مبارزه پرداخت. در قسمت‌های پایانی مقاله تأثیر نگرش القاعده در مورد جهانی شدن را بر استراتژی مبارزه با آمریکا مورد بررسی قرار خواهیم داد.

نگرش القاعده در مورد دین و حکومت اسلامی:

القاعده سازمانی انقلابی است در تداوم جنبش‌های اسلامی خاورمیانه (اخوان المسلمین، سیدقطب، ایمن الظواهری). استراتژیان به وسیله یک ایدئولوژی عملی تعریف شده است. سقوط حکومت‌های موجود در خاورمیانه و جایگزینی آن به وسیله خلافت اسلامی بر اساس قوانین شریعت. اسلام به عنوان هسته و مرکز مشروعیت القاعده محسوب می‌شود (roy, 2008: 4) هدف نهایی ایدئولوژی القاعده دستیابی به حکومت فقهی است که ریشه در سلفی‌گری وهابیت دارد. و بر تمام جهان حکم می‌راند. این حکومت دینی که شکل‌گیری جامعه دینی از طریق اجرای قوانین فقهی بر آن مبتنی است. مهم‌ترین خواسته و موتور محرکه فعالیت‌های القاعده به شمار می‌رود. حکومت طالبان بر افغانستان در واقع جلوه و تبلوری از حکومت مورد نظر القاعده است.

ما برای جهاد در راه خداوند قادر متعال از وطن خود خارج شده‌ایم و خداوند را به علت منّتی که در راه فراهم شدن امکان جهاد و این هجرت مقدس به ما ارزانی داشته است، سپاسگزاریم. هدف و میل قلبی ما نیز این بوده که در راه برپایی و تحکیم حکومت اسلامی و پیاده کردن احکام اسلامی جهاد کنیم. این هدف ماست و برای همین هدف از کشور خود خارج شده‌ایم.

القاعده در میان نظام‌های سیاسی موجود به تأسی از خلفای راشدین و امپراتوری‌های اموی و عباسی، همچنان نظام موناشرشی (سلطنتی) را بهترین نظام حکومتی می‌داند و با توجه به ویژگی‌های ایدئولوژیک خود و نیز از آنجا که نتوانسته در جلب افکار عمومی مسلمانان موفق

باشد با دموکراسی مخالفت می‌ورزد. در مطالب یاد شده نکات فراوانی درباره اندیشه سیاسی القاعده و نگاه آنان به حکومت دینی وجود دارد.

ذکر مهم‌ترین آنها به شفافیت بیشتر موضوع یاری می‌رساند:

- ۱- هیچ مرجعی جز فقهای سلفی و وهابی حق افتا و استخراج قوانین برای اداره جامعه را ندارد و به طریق اولی قانونگذاری براساس عقل خود بنیاد هم مشروعیت ندارد.
- ۲- آزادی عقیده از آنجا که می‌تواند به ارتداد و الحاد بینجامد باطل است.
- ۳- مشروعیت حاکمان از جانب عالم بالاست و رهبران جوامع باید خاستگاه دینی و برآمده از شرع داشته باشند.

۴- آزادی بیان چون به ناسزاگویی به خدا و قوانین الهی می‌انجامد مورد تأیید نیست.

۵- دین از حکومت و سیاست جدا نیست.

۶- تشکیلات و احزاب سیاسی چون به گسترش فعالیت عناصر غیردینی یاری می‌رسانند مورد تأیید اسلام نیستند.

ایدئولوژی القاعده بیشتر مصروف مبارزه و تشکیل خلافت اسلامی شده است. لذا پیروان آن با دچار شدن به از خود بیگانگی، قربانی ایدئولوژی و خلافت مورد نظر القاعده هستند. در این ایدئولوژی هیچ انسانی اعم از مسلمان و غیرمسلمان اصالتی ندارد. و اصالت با ایدئولوژی سلفی و حکومت مورد نظر است.

بر این اساس نباید از آن ایدئولوژی جز برخی تکالیفی که از اسلام استنباط کرده‌اند رهنمودی برای افراد بشر انتظار داشت. این نگرش سیاست زده القاعده باعث می‌شود ابعاد عرفانی و جمالی دین به چشم نیاید و زندگی تنها به عرصه قتال و مبارزه تبدیل شود. ایدئولوژی القاعده با توجه به مطلوب‌ها و هدف نهایی در نظر گرفته از جهاد آغاز و به جهاد نیز ختم می‌شود. (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۱۰۴)

این نوبنیادگرایی و توجیه ترور در سایه فرهنگ اسلام خود نمود سوءاستفاده از اسلام سیاسی و ابزاری کردن دین به دست القاعده را برای ما روشن می‌سازد چرا که اسلام گرایی سنتی و اصلاح‌گرایانه بعضی اوقات از اسلام سیاسی به عنوان گفتمان تغییر و اصلاح اجتماعی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر همان طور که والدنویل استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه کارتون اوتاوا می‌گوید: «اسلام سیاسی القاعده، به نوعی، استفاده از ابزار ایدئولوژی اسلام رادیکال در مواجهه با غرب است» (مسقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۹)

تأثیر نوع نگرش القاعده در مورد ایدئولوژی‌های بیان شده بر استراتژی‌های آن در مبارزه با آمریکا:

در مورد نوع نگرش و جهان بینی القاعده به مساله جهاد و تاثیر آن بر استراتژی‌ش در مبارزه با آمریکا می‌توان ذکر کرد که این گروه فهمی که از مساله جهاد داشته بیشتر جنبه ظاهری و بیرونی داشته است. القاعده از مفهوم جهاد استفاده کاربردی جهت بهره برداری از اهرم‌ها و ابزارهای غیرقانونی و غیراخلاقی مانند ترور کرده است.

روز ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ اسامه بن لادن با پنج رهبراسلامی یعنی دکتر ایمن الظواهری رهبر جهاد اسلامی مصر، عبدالسلام محمد امیرسازمان جهاد اسلامی بنگلادش، سعدالرحمن خلیل نماینده سازمان انصارالمجاهدین پاکستان، شیخ میرحمزه معاون جمعیت العلما پاکستان، ریفائی طه رهبرسازمان جامعه اسلامی مصر بیانیه‌ای امضاء کردند مبنی برتولد جبهه جهانی اسلام برای جهاد علیه یهودیان و صلیبیان.

پس از این ملاقات فتوایی صادرشد مبنی برکشتن آمریکائیان ومطحدانش. دراین فتوا دلیل اصلی اعلان جهاد برضد آمریکایی‌ها این موارد اعلان شده است:

*سرزمین‌های اسلامی به خصوص مقدس‌ترین مکان آن عربستان را تحت سلطه قرارداده است. منظورایجاد پایگاه‌های نظامی است.

*دلیل دوم اعلان جهاد فرودآوردن مصیبت و ویرانی برسر مردم عراق عنوان گردیده.

*دلیل سوم نقش آمریکا برای خدمت کردن به کشورذلیل اسرائیل وقوم فرومایه یهود واشغال اورشلیم به وسیله آن کشور دردرجه سوم اهمیت قرارگرفته است.

در مورد تاثیرات دیدگاه القاعده در مورد دین و حکومت اسلامی بر استراتژی آن در مبارزه با آمریکا کاملاً مشخص است که با تأثیرپذیری از این نظریات بود که القاعده معتقد بود کشورهای خاورمیانه تبدیل شده‌اند به حکومت‌های دست نشانده قدرت‌های بزرگ که امیال و منافع آنان را تامین می‌کنند. ثانیاً به علت به اجرا درنیاوردن احکام اسلامی حکومت‌های دنیوی و غیراسلامی محسوب می‌شوند. بنابراین باید برای شکل‌گیری حکومت جهانی اسلام حکومت‌های این کشورها به خصوص عربستان، مصر، ترکیه و دیگر کشورهای عربی نابود گردد. ازطرفی آمریکا به عنوان حامی این کشورها و طرفدار حفظ این حکومت‌ها عامل اصلی مشکلات خاورمیانه و کشورهای اسلامی محسوب می‌گردد. که هرچه زودتر باید نیروهای خود را از منطقه خارج

کند در غیر این صورت با حملات تروریستی در سرتاسر دنیا هرجایی که منافی دارد مواجه خواهد شد.

فرایند جهانی شدن با تخریب و تهدید مبانی هویت‌های ملی هویت سازی نسبتی را بسیار دشوار و حتی ناممکن می‌کند. بنابراین نوعی بحران هویت و معنا پدید می‌آورد و بازسازی هویت گریزناپذیری می‌شود. در این شرایط بحرانی برخی گروهها و افراد نظیر بنیادگرایان می‌کوشند با توسل به منابع و شرایط نسبتی هویت سازخویشتن را بازسازی کنند. و افراد دوچار بحران هویت ومعنا را برای مقاومت در برابر جهانی سازی و همگونی الگویی منضم به آن جذب و بسیج نمایند. (جوانشهرکی، ۱۳۸۷: ۲۶۱)

تلاش‌هایی را که گروه‌های بنیادگرا مثل القاعده برای مبارزه با آمریکا می‌کنند دارای دلایلی چند است. اول آنکه القاعده آمریکا را نماد جهانی سازی می‌داند و در تلاش است تا حامی و هدایت گر پروژه جهانی سازی را از بین ببرد و یا حداقل از ادامه آن منصرفش کند. ازطرفی آمریکا رابه عنوان کشوری که با فرهنگ مصرف گرایی و مادی خودش درحال از بین بردن فرهنگ اسلامی است قلمداد می‌کند. بنابراین نوع نگرش القاعده به پدیده جهانی سازی است که دشمنی و خصومت با آمریکا را برای القاعده الزامی کرده است. زمانی که گروهی کشوری را ترویج گر یک نوع شیوه خاص زندگی و ارزش دریابد و این فهم را داشته باشد که این نوع شیوه زندگی و ارزش به زور در حیطه‌ی فرهنگی آن تزریق می‌شود و نمیتوان در مقابل آن ایستادگی کرد نتیجه‌اش می‌شود مبارزه به شکل نامتقارن با نماد این نوع زندگی و ارزش که مشخصاً آمریکاست.

تأثیر این نوع نگرش به مسئله‌ی جهاد، دین، حکومت اسلامی و جهانی شدن در استراتژی‌های القاعده چه در مبارزه با حکومت‌های منطقه و چه در مبارزه با آمریکا در افغانستان، عراق، آفریقا و سایر مناطق جهان قابل مشاهده است.

در میان اصلی‌ترین اولویت‌های استراتژیک القاعده بسیج مسلمانان برای یک جهاد جهانی علیه غرب و سرنگون کردن رژیم‌های مرتد، به خصوص عربستان سعودی، مصر و پاکستان از اهداف اصلی به شمار می‌رود. دیگر اهداف القاعده شامل به وجود آوردن یک حکومت اسلامی مطابق با افراطی‌ترین تفسیر سنی حنبلی از آن و منزوی کردن اکثریت مسلمانان سنی از دیگر فرقه‌های اسلامی و همچنین شیعیان است. برای القاعده و گروه‌هایی که در ایدئولوژی با این گروه شریک هستند حکومت‌های خاورمیانه، در درجه نخست به دلیل حمایت‌های آمریکا وجود

دارند. نبود کردن آن‌ها بنابر این مستلزم نبود کردن چنین حمایتی است. القاعده برای رسیدن به این هدف تحت فشار قرار دادن ایالات متحده برای خروج از خاورمیانه از طریق اقدامات تروریستی را مد نظر داشته و دارد.

در مقطع زمانی سپتامبر ۲۰۰۱ القاعده حملاتی را علیه آمریکا ترتیب داد. ریس جمهور بوش عملیات نظامی عظیم در جنوب و جنوب غربی آسیا را به عنوان بخشی از تلاش‌های ضد تروریستی جهانی آمریکا اعلام کرد. در دوره اوباما آمریکا اعلام کرد قصد دارد بخش اعظم نیروهای خود را تا ۲۰۱۲ از افغانستان خارج و نیروهای باقی مانده را برای مبارزه با القاعده در پاکستان سازماندهی کند. (rollins, 2010: 9)

در جنگ نامتقارن کنونی سازمان‌های تروریستی خاورمیانه مهارت بسیاری جهت کسب اطلاعات از طرح‌ها و اقدامات خود کسب کرده‌اند تا بدین ترتیب بتوانند آسیب پذیری‌های دشمنان قدرتمند نظامی خود را کشف نمایند.

حمله غافلگیرانه القاعده به ساختمان‌های دو قلو برج‌های سازمان تجارت جهانی در آمریکا از مهمترین این موارد محسوب می‌شود. القاعده توانست با روش‌های ضد جاسوسی چون فریب و انکار یگانهای عملیاتی خود را در داخل خاک آمریکا استتار نماید. برای شناخت ویژگی‌های ماهیتی و عملیاتی القاعده ابتدا باید دانست که این گروه چگونه فریب، تدابیر بازدارندگی و دیگر شیوه‌های ضد اطلاعاتی را در آموزش‌های ماموران خود و همچنین طراحی و اجرای عملیات‌هایش گنجانده است. چرا که برای آمریکا درک این واقعیات کاربردهای قابل ملاحظه‌ای در خلال جنگ با القاعده خواهد داشت. (امیرخانی، ۱۳۸۸: ۱)

تاکنون استراتژی کلیدی القاعده عبارت از اجرای حملات تروریستی بر ضد غرب و متحدان آن در سرتاسر جهان بوده است. با این حال بر طبق نوشته‌های متفکران برجسته القاعده استراتژی بلند مدت آن دارای مراحل است که می‌توان به صورت زیر نشان داد:

* **بیداری:** درخواست از هسته‌های کوچک تروریستی وابسته به القاعده برای انجام حملات با تلفات چشمگیر ضد اهداف ایالات متحده و متحدان آن

* **ایجاد هسته‌های جدید و برقراری ارتباط با دیگر گروه‌های اسلام‌گرا:** این مرحله با هدف گسترش حملات ضد اهداف غربی و کاستن از محبوبیت ایالات متحده صورت می‌گیرد.

* **مدیریت حملات:** ایجاد پناهگاه‌های امن که به القاعده اجازه ساخت اردوگاه‌های آموزشی، اجرای اقدامات لجستیکی و اعزام مبارزان به کشورها ی‌دیگر را بدهد.

***ایجاد یک کشور اسلامی:** القاعده از روی کار آمدن طالبان در افغانستان به عنوان مدلی در این زمینه یاد می‌کند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۸: ۱۹۰ و ۱۸۹)

القاعده انتقام جویی ایالات متحده را پیش بینی کرده بود و امیدوار بود این انتقام جویی در دنیای مسلمانان به عنوان جنگ علیه اسلام قلمداد شود و از این طریق القاعده در تبلیغات و عضوگیری مزیت‌های فراوان به دست آورد. (پروژه تحقیقاتی Rand، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

با این همه همان طور که ذکر شد مهم‌ترین ویژگی این گروه‌ها که باعث شده است تا آن‌ها و نوع جنگی را که به راه انداخته‌اند از موارد قبلی متمایز سازد، پایه‌های ایدئولوژی آن‌ها یعنی مذهب می‌باشد و نقش مهمی دارد. (شیخ احمد، ۱۳۸۷: ۴)

دو اعلامیه جهاد بر علیه آمریکا وجود دارد که هسته‌ی مرکزی فلسفه‌ی اسامه بن لادن را تشکیل می‌دهد. اولین اعلامیه در ۲۶ آگوست سال ۱۹۹۶ و تحت عنوان «اعلامیه‌ی جهادی بر علیه آمریکا که سرزمین دو مکان مقدس شده را اشغال کرده است» صادر شد. در این اعلامیه بن لادن با برشمردن مشکلات جهان اسلام معتقد است رژیم عربستان سعودی به دو دلیل مشروعیت خود را از دست داده است. اول اینکه شریعت اسلامی را کنار گذاشته است و دوم اینکه به نیروهای خارجی یعنی صلیبی‌های آمریکایی اجازه داده است تا کشور را اشغال کنند. بن لادن مانند اعظم معتقد است برای نبرد با آمریکا باید مشکلات داخلی کنار گذاشته شود و وظیفه‌ی اصلی مسلمانان را بعد از ایمان آوردن جهاد می‌داند. بنابراین نوع نگرش القاعده در مورد جهاد باعث رویارویی با نیروهای آمریکایی شده است. (شیخ احمد، ۱۳۸۵، ۷)

مقایسه اظهارات ضدآمریکایی ظواهری و بن لادن در جدول پایین:

موضوع	بن لادن ۱۹۸۸-۲۰۰۶	ایمن الظواهری ۲۰۰۳-۲۰۰۶
تعداد کلمات	۲۵۱۱,۵	۱۹۹۶,۴
فعل‌های عصبی	۲,۲۱	۱,۶۳
احساسات منفی	۲,۵۲	۲,۲۸
احساسات مثبت	۲,۵۷	۲,۸۳
کلمات منحصر به فرد	۲,۷۲	۲,۶۲

منبع (6) (pannebaker, 2007)

اعداد بالا برحسب درصد تقریبی است

بن لادن معتقد است صلیبیون و یهودیان دست در دست هم می‌خواهند به قلب اسلام یعنی مقدس‌ترین مکان‌های ما در سرزمین عربستان یعنی مکه و مدینه و مسجد پیامبر (ص) حمله کنند. بن لادن در واقع مسلمانان را به هوشیاری تاریخی در مقابل یک جنگ تمدنی فرا می‌خواند. اصولاً عقاید بن لادن در آخرین تحلیل مبتنی بر فرضیتی از جنگ یهودیان و مسیحیت علیه مسلمانان است که در آینده رخ خواهد داد.

به طور کلی هدف اول القاعده سرنگونی رژیم‌های مرتجع عربی و جایگزینی آن با حکومت‌هایی است که مطابق با قوانین شریعت اداره می‌شوند. ایدئولوژی القاعده همان گونه که گفته شد اساساً نوعی جهت‌گیری ضد غربی دارد و اسامه بن لادن رهبر این سازمان، با صدور فرمانی علیه آمریکا در سال ۱۹۹۶ از مسلمانان سراسر جهان خواست تا قیام کرده و با حرکتی مسلحانه ایالات متحده آمریکا را بزرگترین دشمن جهان اسلام که مانع از انجام اصلاحات اساسی در رژیم‌های دست‌نشانده اسلامی می‌شود از میان ببرند (خاتمی خسروشاهی، ۱۳۸۳: ۱۸۶).

یورام وایتزر و شائول شای معتقدند که اسلام رادیکال در چهار سطح علیه فرهنگ‌های خارجی در حال جنگ می‌باشد که سطح اول و دوم آن یعنی نبرد با حضور نیروهای خارجی و براندازی رژیم‌های فاسد اسلامی از زمره آن می‌باشند (شیخ احمد، ۱۳۹۰: ۹).

در پایان این بخش چکیده‌ای از بحث‌های بالا را عنوان می‌کنیم که هدف نهایی ایدئولوژی القاعده دستیابی به حکومت فقهی و جهانی است که ریشه در سلفی‌گری دارد. برای رسیدن به این هدف مطابق ایدئولوژی القاعده ابتدا باید سعی شود به صورت مرحله‌ای و دومینو کشورهای اسلامی با مرکزیت عراق، فتح شوند و سپس با تشکیل سرزمین اسلامی (دارالسلام) جنگ نهایی به منظور برپایی حکومت اسلامی جهانی با کافران آغاز گردد. (سایت راسخون، دی ۱۳۹۰)

نتیجه‌گیری

- در یک جمع‌بندی نهایی ویژگی‌های القاعده را می‌توان به صورت زیر برشمرد:
- ۱- از یک سو نشانه بروز بحرانی رو به گسترش در جامعه اسلامی و شکاف میان دو نوع اسلام - مصلحت‌گرا و رادیکال - و از سوی دیگر محصول جهانی شدن به حساب می‌آید.
 - ۲- واکنشی است سیاسی - تروریستی، به بحران معنای ناشی از فرایند ادغام گر و همگون ساز جهانی شدن

- ۳- جریان مدرن: چه از نظر اعضاء و چه از نظر عواملی که منجر به پیدایش آن شده‌اند و چه از نظر کاربرد و برخورداری از فناوری نوین
- ۴- متأثر از گرایش‌های چپ گرایانه است
- ۵- تروریسم القاعده خشونتی است علیه شاکله تمدن غرب
- ۶- جریانی است پایدار که بیشتر به دلایل و مصارف سیاسی تا دلایل واقعی فرهنگی - هویتی مورد توجه قرار گرفته است.
- ۷- بنیادگرایان در این جوامع منظور خاورمیانه از طبقات متوسط شهرنشین و دارای تحصیلات هستند.

۸- القاعده نقطه پیوند اسلام رادیکال، تروریسم و جهانی شدن می‌باشد. (جوان شهرکی، ۱۳۸۷)

بنابراین جریان القاعده هم از تون اسلامی و هم از دیدگاه‌های متفکرین مسلمان تأثیر می‌پذیرد و جهان بینی خود را شکل می‌دهد. اگرچه استراتژی القاعده از ایدئولوژی آن نشأت می‌گیرد اما مانند بسیاری از گروه‌های تروریستی دیگر تا حد بسیار زیادی به شیوه‌ای منطقی عمل می‌کند به این معنی که اهداف خود را می‌سنجد، رویکردهای جایگزین را مورد توجه قرار می‌دهد و هزینه و فایده را محاسبه می‌کند. (مرکز تحقیقاتی RAND، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

بنابراین جریان القاعده هم از تون اسلامی و هم از دیدگاه‌های متفکرین مسلمان تأثیر می‌پذیرد و جهان بینی خود را شکل می‌دهد. اگرچه استراتژی القاعده از ایدئولوژی آن نشأت می‌گیرد اما مانند بسیاری از گروه‌های تروریستی دیگر تا حد بسیار زیادی به شیوه‌ای منطقی عمل می‌کند به این معنی که اهداف خود را می‌سنجد، رویکردهای جایگزین را مورد توجه قرار می‌دهد و هزینه و فایده را محاسبه می‌کند.

الف) منابع فارسی

- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶). **القاعده از پندار تا پدیدار**، تهران: اندیشه سازان نور.
- امیرخانی فراهانی، لیلیا (۱۳۸۸). «فریب تاکتیکی و غافلگیری راهبردی در عملیات های القاعده»، **فصلنامه پدافند غیرعامل**، سال اول، شماره ۲، بهار، صص ۹۹-۸۹.
- بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۸۵). «جهاد از ابن تیمیة تا بن لادن»، **مجله راهبرد**، شماره سی و نهم، صص ۲۱۴ - ۱۹۵.
- بخشی شیخ احمد، مهدی (۱۳۸۷). **القاعده و تروریسم مذهبی**، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۴۱، پروژه مرکز تحقیقاتی RAND (۱۳۸۶). «فراتر از القاعده جنبش جهانی جهاد»، **پژوهش نامه تروریسم و امنیت بین الملل**، سال اول، شماره دوم، تابستان، صص ۱۵۸-۱۳۹.
- جستاری در سازمان القاعده، مقالات موضوعی، **سایت راسخون**، (دسترسی، ۱۳۹۰/۹/۳)
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۸۹-۶۵.
- جوان شهرکی، مریم (۱۳۸۷). «مطالعه موردی القاعده، نقش جهانی شدن در گسترش بنیادگرایی دینی»، **مرکز تحقیقات استراتژیک**، صص ۲۷۴-۲۵۰.
- چهرآزاد، سعید (۱۳۹۸). «وانموده های سیاستگذارانۀ پسا دفاع مقدس در حیطه روابط خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۲۷-۱۴۴.
- خاتمی خسروشاهی، ابراهیم (۱۳۸۳). **کتاب آسیا ۳**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی، ابرار معاصر تهران.
- دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۷۷-۵۶.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۸). **کتاب امنیت بین الملل ۴**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- عباس زاده، فتح آبادی، موحدی (۱۳۸۸). «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۹، شماره ۳۴، صص ۱۲۸-۱۰۹.
- غلامعلی پور، علی و مهدی عباس زاده (۱۳۹۰). «جهانی شدن والقاعده»، **فصلنامه اندیشه سیاسی اسلام**، صص ۱۰۷-۸۳.

مستقیمی، بهرام و ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). «مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده»، فصلنامه سیاست، صص ۳۵۵ – ۳۳۷.

نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۲). بنیادهای فکری القاعده و وهابیت، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷، تابستان، صص ۲۵۶-۲۳۲.

(ب) منابع انگلیسی

Blanchard, Blanchard (2004). "Al-qaeda:statement and evolming ideology" **analyst in the middle eastern affairs**, novamber 16, pp1-6.

JEFFREY, HAYNES (2005). "Al Qaeda: Ideology and Action" **Critical Review of International Social and Political Philosophy**, Vol. 8, No. 2, 177–191, June.

Pennebaker, james (2007). "computerized text analysis of al-qaeda transcripts" **university of texas austin**, janury2007, pp1-10.

Rollins, john (2010). "al-qaeda and affiliates" **congressional research service**, february5.2010, pp 1-29.

Roy, oliver (2008). "al-qaeda in the west as a youth movement:the power of a narrative" novamber, pp1-23.